روان‌خوانی

اندوه:	غم و غصّه
از پای درآوردن:	خسته و ناتوان کردن
افق:	کنارهٔ آسمان
یک‌نواخت:	آرام، بدون هیجان
ارمغان:	هدیه، سوغات
طراوات:	شادابی، تازگی
بُهت:	شگفتی، متحیّر شدن
زلال:	پاک و صاف

املا

صفحهٔ ۱۷ تا ۲۰ کتاب درسی

بی‌همتا / اسرار / حکیمانه / خفّاش / چراغ / برمی‌گزیند / پرتو / جست‌وجو / رگ‌های اصلی / محکم / حدقه / حواس / داس‌مانند / دفع / متّحد / کشتزار / می‌خورند / جُثّه / عظمت / جایگاه / طاووس / سایبان / فراهم‌آمده / خزان‌دیده / لحظه‌ای / زَرِ ناب / بر فرازِ / پرنقش و نگار / اطراف / جلوهٔ خاص / حیران / نَژَند / نغز / کامکار / تماثیل / تصاویر / قاه‌قاه / هِجر / صورتگر / ماهر / تقلید / صورت / صفحهٔ هستی

معنی ابیات

صفحهٔ ۲۰ کتاب درسی

صورتگر ماهر

۱ راستی را، کس نمی‌داند که در فصل بهار — از کجا گردد پدیدار، این همه نقش و نگار؟

به‌راستی هیچ کس نمی‌داند که در فصل بهار، این همه نقش و نگار و طرح‌های زیبا (گل‌ها و شکوفه‌ها) از کجا آشکار می‌گردد.

عقل‌ها حیران شود کز خاکِ تاریک نژند — چون برآید این همه گل‌های نغزِ کامکار؟

عقل انسان‌ها شگفت‌زده می‌شود که چگونه این همه گل‌های زیبا و تر و تازه از خاک تیره و افسرده می‌روید؟

چون نپرسی کاین تماثیل از کجا آمد پدید؟ — چون نجویی کاین تصاویر از کجا شد آشکار؟

چرا نمی‌پرسی که این تصاویر و نقش‌ها از کجا پدید آمده و چرا به دنبال این نیستی که بدانی این تصویرها از کجا آشکار شده است؟

برق از شوقِ که می‌خندد بدین سان قاه قاه؟ — ابر از هجرِ که می‌گرید بدین سان زار زار؟

برق (رعد و برق) از اشتیاق چه کسی این‌گونه قاه‌قاه می‌خندد و ابر از دوری چه کسی این‌طور زار زار گریه می‌کند؟

۵ کیست آن صورتگرِ ماهر که بی‌تقلیدِ غیر — این همه صورت بَرَد بر صفحهٔ هستی به کار؟

آن نقّاش ماهر که بدون تقلید از کسِ دیگری، این همه نقش و نگار بر صفحهٔ جهان نقّاشی کرده است، کیست؟

قاآنی شیرازی

خرید آنلاین در gajmarket.com